

تدبر در حدیث و سیره معصومین (علیهم السلام) - استاد ضرابی

بسم الله الرحمن الرحيم وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

بیست و هشتم صفر مطابق با ۱۳۹۹/۷/۲۵

شهادت امام حسن مجتبی (علیه السلام)

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا صِرَاطَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَيَانَ حُكْمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا نَاصِرَ دِينِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا السَّيِّدُ الزَّكِيُّ، السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الْقَائِمُ الْأَمِينُ - سلام بر تو ای راه خدا سلام بر تو ای بیان حکم خدا، سلام بر تو ای یاور دین خدا سلام بر تو ای آقای پاک، سلام بر تو ای نیکوکردار با فادار سلام بر تو ای قیام کننده امین

امام مجتبی علیه السلام فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَخْلُقْكُمْ عَبَثًا، وَلَيْسَ بِتَارِكِكُمْ سُدِّي، كَتَبَ آجَالَكُمْ، وَقَسَمَ بَيْنَكُمْ مَعَائِشَكُمْ، لِيَعْرِفَ كُلُّ ذِي لُبٍّ مَنَزَلَتَهُ، وَأَنَّ مَقْدَرَ لَهُ أَصَابُهُ، وَمَا صُرِفَ عَنْهُ فَلَنْ يُصِيبَهُ. —(ای بندگان خدا) بدانید که خداوند شما را رابیهوده نیافریده است، و به حال خود رها ننموده، مدت عمرتان را نوشته، و روزی شما را بینتان قسمت کرده تا هر خردمندی قدر و ارزش خود را بداند و بفهمد جز آنچه مقدر شده هرگز به او نمی رسد.» (تحف العقول ص ۲۳۲)

موضوع تدبر:

انسان به چه مقصودی به دنیا آمده است و باید از زندگی در دنیا چه چیز را درباره خود بفهمد؟

پاسخ:

قرآن کریم برای آنکه هدف از زندگی انسان را بر روی کره زمین نشان بدهد، خلقت او را در برابر چشمانش قرار می دهد: أَيْحَسِبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدِّيَ أَلَمْ يَكُنْ نُطْفَةً مِنْ مَنِيٍّ يُمْنَى * ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّى * فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَى * أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَى - آیا انسان می پندارد که به حال خود رها می شود؟ آیا او قطره ای از منی نبود که (در رحم) ریخته می شد؟ سپس خون بسته ای شد و خداوند آن را آفرینش داد و استوار ساخت. و دو جنس زن و مرد را از آن پدید آورد. آیا این خدا قادر نیست که مردگان را زنده کند؟» (قیامة/ ۳۶ تا ۴۰)

از این آیه شریفه بدست می آید زندگی در دنیا مقدمه ضروری رسیدن به حیات مخصوصی است که خداوند برای انسان آفریده است. در آیه ای دیگر این حیات مخصوص را بازگشت به جوار قرب خود معرفی می کند. «أَفَحَسِبْتُمْ أَنْما خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنْكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ - آیا می پندارید که شما را بیهوده آفریده ایم و به سویی ما باز نمی گردید؟» (مؤمنون/ ۱۱۵)

تا اینجا می توان نتیجه گرفت که این آمدن انسان به عالم دنیا مانند واقع شدن مرحله آغاز خلقت بدن او، (نُطْفَةً مِنْ مَنِيٍّ يُمْنَى) است و باید منازل و عوالم بعدی را طی کند تا به حیات مخصوص و لایق انسانیت خود برسد. «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ

شَيْءٍ قَدِيرٌ - خداوندی که هفت آسمان را آفرید و از زمین نیز همانند را، فرمان او پیوسته فرود آید تا بدانید خداوند (یگانه) و بر همه چیز توانا است.» (طلاق/ ۱۲)

آیه شریفه سیر حرکت را در مراتب وجود برای رسیدن به مرحله‌ای از حیات معرفی می‌کند که انسان شاهد قدرتی است که بر همه چیز قادر است. و این رسیدن به عالی‌ترین مرتبه حیاتی است که خداوند از عظمت خود برای انسان خواسته است؛ مرتبه‌ای که انسان به اذن پروردگارش و عطا و بخشش او بر انجام هر چیزی توانا می‌شود. اما آیا همه به این مرحله می‌رسند؟ طبیعی است که این مخالف حکمت است و باید افراد بر اساس شایستگی و سعی و تلاش خود از یکدیگر جدا شوند. البته خداوند به همه چیز عالم است اما این انسان است که با زندگی در دنیا پی به استحقاق خود می‌برد و مشاهده می‌کند که شایستگی آن را دارد تا چه حدی اوج بگیرد و به سرچشمه حیات ابدی نزدیک شود. «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ - کسی که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که کدامین عمل بهتری دارید و او شکست ناپذیر و بخشنده است.» (سوره ملک، آیه ۲)

اما اینکه این شایستگی‌ها چگونه معلوم می‌شود؟ می‌فرماید: «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا - همانا ما هر آنچه بر روی زمین است آرایش و زینتی برای آن قرار دادیم تا انسان‌ها را بیازماییم که کدام یک بهترین عمل را دارند.» (سوره کهف، آیه ۷)

طبیعی است که بهترین عمل گذشتن و توقف نکردن در ظاهر نعمت‌ها و سیر و حرکت بسوی خداوند است. همانطور که به ظاهر و پوست گردویی یا تخم مرغی اکتفا نمی‌کنیم و از مغز و درون آن بهره می‌گیریم، در مراحل بعد این مغز در زیر دندان آسیاب می‌شود و شیر و عصاره آن در بدن تبدیل به قدرت حرکت، دیدن، شنیدن و تفکر و اندیشه و علم و فهم می‌شود.

گندمی را زیر خاک انداختند پس ز خاکش خوشه‌ها بر ساختند

بار دیگر کوفتندش ز آسیا قیمتش افزود و نان شد جان فرا

باز نان را زیر دندان کوفتند گشت عقل و جان و فهم سودمند

در جایی دیگر خداوند عبادت خود را که ظرف عطا و بخشش اوست و سودی برای او ندارد و تنها بندگان را در دریافت فیض الهی توانمند می‌سازد، هدف خلقت خود معرفی فرموده است. وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ - و من جن و انس را نیافریدم مگر برای اینکه مرا پرستش کنند. (ذاریات، آیه ۵۶)

طبیعی است که تأثیر شناخت فلسفه آفرینش در سبک زندگی و رفتارهای انسان تأثیر به سزایی دارد. کسی که هدف زندگی در دنیا را اینچنین بشناسد، به ارزش نصایح اولیاء خدا و راهنمایی آنها پی می‌برد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «خلق اربعة لاربعة: المال للانفاق لا للامساك و العلم للعمل لا للمجادلة و العبد للتعبد لا للتعظيم و الدنيا للعبارة لا للعمارة - چهار چیز خلق شده برای چهار چیز: اول: مال برای انفاق است نه برای حفظ کردن و نگه داشتن. دوم: علم و دانش برای عمل است نه برای مجادله. سوم: بنده‌های خدا برای اطاعت بندگی است نه برای تکبر و بزرگی. چهارم: دنیا برای عبرت است نه برای عمارت و تشریفات.»

قرآن کریم در آیه ۲۰ سوره حدید چنین هشدار می‌دهد:

« اَعْلَمُوا أَنَّهَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ. - بدانید که زندگانی دنیا به حقیقت بازیچه‌ای است طفلانه و لهو و عیاشی و زیب و آرایش و تفاخر و خودستایی با یکدیگر و حرص افزودن مال و فرزندان. در مثل مانند بارانی است که گیاهی در پی آن از زمین بروید که بزرگران (یا کفار دنیاپرست) را به شگفت آورد و سپس بنگری که زرد و خشک شود و ببوسد. و در عالم آخرت (دنیا طلبان را) عذاب سخت جهنم و (مؤمنان را) آمرزش و خشنودی حق نصیب است. و ، بدانید که زندگانی دنیا (اکتفا کردن و اشتغال به آن) جز متاع فریب و غرور چیزی نیست.»

پس بهترین استفاده‌ها همان تحصیل مغفرت و رضوان الهی است که باطنش بهشت همجواری اوست.

نباید دورانهای پنجگانه عمر آدمی: کودکی، نوجوانی، جوانی، بزرگسالی و پیری، تنها صرف «غفلت»، «سرگرمی»، «تجمل»، «تفاخر» و «تکاثر» شود (به ترتیبی که در آیه ذکر شده است). اما چگونه است که این نصایح و این آیات نورانی در هر دلی اثر نمی‌کند اگر چه از زبان نازنین پیامبر خدا یا فرزندان معصومش بیان شود؟!!!

روضة: محبت حضرت رسول اکرم (ص) به امام حسن علیه السلام و شهادت

ابن عباس می‌گوید: خدمت پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله بودم. آقا امام حسن مجتبی دوان دوان آمد، روی زانوی رسول الله نشست. پیامبر مرتب می‌بوسیدش، می‌بوئیدش. یک وقت دیدم رسول خدا اشک می‌ریزد. آقا جان.... چرا گریه می‌کنید؟ فرمود.... همین حسنم را.... به زهر جفا مسموم می‌کنند.... چشمی که برای حسنم گریه کند.... کور وارد محشر نمی‌شود.... دلی که برای حسنم غمین شود.... روز قیامت غمگین نخواهد شد. زینب کبری وارد خانه امام حسن مجتبی شدند دیدند مقابل امام حسن تشتی گذاشتند، لخته‌های خون مثل پاره های جگر را داخل تشت دید.... « فلطمت علی وجهها و صدرها » : این جا این تشت بود.... یک تشتی هم در مجلس یزید.... سربریده حسین.....

بی بی زینب کبری یه عمری مصیبت دید... اما صبر کرد... داغ جدش رسول الله رو دید. صبر کرد. پهلوی مادرش زهرا رو شکسته دید، صبر کرد فرق شکافته بابایش امیرالمومنین رو دید صبر کرد... یک روز هم تشت پرلخته خون امام حسن را دید.. اما باز صبر کرد... بلاکش دوران بود زینب... روز عاشورا تمام عزیزانش روشهید کردند، اما... تمام دلخوشی زینب حسینه.... لاجول و لاقوة الا بالله العلیّ العظیم

ما تشنه عشقیم و شنیدیم که گفتند رفع عطش عشق فقط نام حسین است

حسین آرام جانم حسین روح و روانم حسین باغ و بهارم حسین دار و ندارم

صلی الله علیکم یا اهل بیت النبوه